

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه- کابل

۰۶ اپریل ۲۰۲۱



یونس نگاه- کابل

دُرِ درِی

فارسی درِی در افغانستان با دو انکار روبروست. گروهی می‌گویند این زبان، فارسی نیست و گروه دیگر درِی بودنش را انکار می‌کنند. ولی بیشتر گویندگان و نویسندگانی که دور از سیاست به این زبان گپ می‌زنند و نوشته می‌کنند، از زبان و قلمشان دُرهای صافی می‌تراود که هم درِی است و هم فارسی. درِی است چون اگر در شیراز و سمرقند بشنوند و بخوانند طعم شیرین کابل، غزنی، هرات و بلخ را احساس می‌کنند و از تفاوت‌های ظریفش لذت می‌برند. فارسی است، چون در آن شهرها سخن ما را می‌فهمند ولی از تلفظ خلاف عادت، شنیدن کلماتی که برای آنان باستانی به‌نظر می‌رسند (مثل پیاله، وطندار، بیخی و سوغات) و عباراتی که آنان دیگر به کار نمی‌برند ولی در کتاب‌های قدیم بارها خوانده‌اند، تکان می‌خورند و با خود می‌گویند چه فارسی سره و سچ‌ای! آنان با شنیدن لحن درِی، شما را به شهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی، دیوان شمس، قصیده‌های ناصر خسرو و حتی شعرهای حافظ نزدیک‌تر می‌بینند. اگر فارسی سچ می‌پالید، از لهجه خود شما سچ‌تر کم پیدا می‌شود.

دیگر این که در تاجیکستان و ایران نیز با زبان آن‌طور که برخی فارسی‌دوستان درِی‌ستیز تصور می‌کنند خشک و یک‌دست برخورد نمی‌کنند. آن‌جا نیز کلمات استاد، معلم، امتحان و مکتب استفاده می‌شود اما با سلیقه متفاوت. باید سلیقه‌ها را آزاد بگذاریم و نکوشیم که کاپی‌های غیرقابل تفکیک باشیم. حتی در درون افغانستان لهجه‌های کابلی، غزنیچی، هراتی، تخاری و قندهاری نشانه‌های تشبث نه، بلکه کندوهای فرهنگی و دلیل غنماندی‌ست. تقلید متعصبانه و تلاش برای از بین بردن رنگ‌ها زبان را نازیبا می‌کند و از توان ما در بیان درست سخن می‌کاهد.

این جمله‌ای را که در عکس می‌بینید از قلم یک وطندار فارغ التحصیل ادبیات فارسی تراویده است. ایشان احتمالاً سواد کافی دارد و شاید بسیار کتاب خوانده باشد، اما زبانش در سایه درگیری سیاست فرهنگی ویرانگر در کشور، ناسلیس شده است. چند کلمه، درین جمله مزاحم سخن اوست. جایی از زبان تاجیکستانی‌ها، ایرانی‌ها و افغان‌ها نشنیده‌ام که به

استاد دانشگاه/پوهنتون آموزگار بگویند. در ایران آموزگار به معلم مکتب می‌گویند، امتحان پوهنتون را آزمون دانشگاه می‌گویند ولی کلمه امتحان آنجا نیز قدغن نیست و بسیار استفاده می‌شود. امتحان به اندازه آزمون فارسی است و وقتی گوش مخاطبان فارسی‌ویان افغانستان با امتحان آشنا تر باشد، لازم نیست به تقلید از ایران آزمون بگوئیم.

دانشجویان دانشگاه تخار به دلیل شروع نشدن درس های شان از سوی آموزگاران دانشگاه تخار و عقب افتیدن آزمون دانشگاه، راه پیمایی کرده اند.



تعصب در کلمات، قلم را آشفته می‌کند و مانع بیان درست مطلب می‌گردد. مثلاً عبارت "به دلیل شروع نشدن درس‌های‌شان از سوی آموزگاران دانشگاه تخار" معیوب و ناسره است. فارغان رشته ادبیات فارسی اگر این‌گونه بنویسند، به زبان خدمت نکرده‌اند بلکه به آن آسیب می‌زنند.